



## Empirical Formation of the Indicators of Social and Cultural Sustainability of Tehran City \*

Karam Habibpour Gatabi 

1. Associate Professor of Sociology Education Department, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran. E-mail: karamhabibpour@khu.ac.ir

---

### Article Info

**Article type:**

Research Article

**Article history:**

Received 26 August 2022;

Received in revised form 05

December 2022; Accepted 15

December 2022; Published

online 12 February 2023

**Keywords:**

Development, Sustainable

Development, Sustainability,

Social and Cultural,

Sustainability, Tehran.

---

### ABSTRACT

**Introduction:** In view of the importance of knowledge and attention to the nature and type of indicators of social and cultural sustainability of Tehran city in urban policy and planning by the officials and trustees, this study, based on a hybrid conceptual framework, compiles and prioritizes the indicators of the construct of social and cultural sustainability of Tehran city in view of the role of Tehran City Council and Municipality.

**Method:** This research was conducted using a quantitative method (survey method with questionnaire and a checklist of indicators) and exploratory and confirmatory factor analysis and network analysis. In this method, the indicators were finalized after the initial list was compiled, refined, validated, and weighted by 30 relevant experts selected based on purposive, snowball, and key person sampling strategies.

**Findings:** The priority of social sustainability indicators related to equity and justice, social participation, social responsibility, sustainability of local communities, recognition of social groups, preservation and improvement of urban nature, sustainability of population, and reorganization of labor. In the dimension of cultural sustainability of Tehran city, the indicators of cultural diversity, cultural participation, cultural equality, cultural identity, cultural heritage, prosperity and realization, and innovation were ranked.

**Conclusion:** The results indicate that social and cultural sustainability is a totality which, on the one hand, is fluid, dynamic and changing due to its dialectical logic and, therefore, no static indicators can be given for it, and, on the other hand, its indicators cannot be derived from this totality. In fact, all these components are not an isolated concept and independent of other components, and all these components together form the totality of Tehran's social and cultural sustainability.

---

**Cite this article:** Habibpour Gatabi, K. (2022). Empirical formation of the indicators of social and cultural sustainability of Tehran city. *Community Development (Rural and Urban)*, 14(2), 371-394.

DOI: : <https://doi.org/10.22059/jrd.2022.349186.668761>

---

\*Excerpted from a research project entitled "Explaining social and cultural sustainability and the role of urban management (city council and municipality) promotion in Tehran", funded by Tehran Urban Research & Planning Center.

## صورت‌بندی تجربی شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران\*

کرم حبیب‌پور کتابی id

۱. دانشیار گروه آموزشی جامعه‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. رایانامه: karamhabibpour@khu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۹/۱۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۴</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> پایداری، پایداری اجتماعی و فرهنگی، توسعه، توسعه پایدار، شهر تهران.</p>	<p><b>مقدمه:</b> با عنایت به اهمیت معرفت و توجه به ماهیت و نوع شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری از سوی مسئولان و متولیان امر، مطالعه حاضر با ابتنا بر چارچوب مفهومی ترکیبی، به تدوین و اولویت‌بندی شاخص‌های سازه پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران با توجه به نقش شورای شهر و شهرداری تهران پرداخته است.</p> <p><b>روش:</b> این پژوهش با استفاده از روش‌شناسی کمی (روش پیمایش با تکنیک پرسشنامه مشتمل بر چک‌لیست شاخص‌ها) و تکنیک‌های تحلیل عامل اکتشافی، تأییدی و فرایند تحلیل شبکه‌ای انجام شده است. در این روش، ۳۰ صاحب‌نظر و کارشناس مرتبط که با ابتنا بر نمونه‌گیری هدفمند و استراتژی‌های گلوله‌برفی و افراد مهم انتخاب شده بودند، شاخص‌ها پس از تدوین فهرست اولیه، پالایش، اعتباریابی و وزن‌دهی نهایی شدند.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> اولویت شاخص‌های پایداری اجتماعی به ترتیب مربوط به برابری و عدالت، مشارکت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، پایداری اجتماعات محلی، تصدیق گروه‌های اجتماعی، حفظ و بهبود طبیعت شهری، پایداری جمعیت و سازمان‌دهی مجدد کار است. در بعد پایداری فرهنگی شهر تهران نیز شاخص‌های تنوع فرهنگی، مشارکت فرهنگی، برابری فرهنگی، هویت فرهنگی، میراث فرهنگی، شکوفایی و فعلیت‌بخشی و نوآوری به ترتیب در اولویت قرار داشتند.</p> <p><b>نتیجه‌گیری:</b> نتایج نشان می‌دهد پایداری اجتماعی و فرهنگی کلیتی است که بر مبنای منطق دیالکتیکی خود از سیالیت، پویایی و دگرگونی برخوردار است و در نتیجه نمی‌توان قائل به شاخص‌های ایستایی برای آن شد. همچنین نمی‌توان شاخص‌های آن را از این کلیت منتزع و جدا کرد؛ در واقع همه این مؤلفه‌ها مفهومی منتزع و مستقل از سایر مؤلفه‌ها نیستند و در کنار یکدیگر کلیت پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران را برمی‌سازند.</p> <p><b>استناد:</b> کرم (۱۴۰۱). صورت‌بندی تجربی شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی شهر تهران. <i>توسعه محلی (روستایی _ شهری)</i>، ۱۴(۲)، ۳۷۱-۳۹۴.</p> <p>Doi: <a href="https://doi.org/10.22059/jrd.2022.349186.668761">https://doi.org/10.22059/jrd.2022.349186.668761</a></p>

\* مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «تبیین پایداری اجتماعی و فرهنگی و نقش مدیریت شهری (شورای شهر و شهرداری) در ارتقای آن در شهر تهران»، با حمایت مالی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

## ۱. مقدمه و طرح مسئله

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، مفهوم توسعه پایدار به‌منزله الگوی جدید توسعه متشکل از ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی ظاهر شد؛ البته اهمیت و وزنی که به این ابعاد داده می‌شد، برابر نبود. در ابتدا یعنی در دهه ۱۹۷۰ و اواسط دهه ۱۹۸۰ نیز بعد زیست‌محیطی و سپس در اوایل دهه ۱۹۹۰ بعد اقتصادی وزن بیشتری داشتند. در دهه‌های بعد و تنها از اواخر دهه ۱۹۹۰ موضوعات اجتماعی در دستورالعمل پایداری جایگاه ویژه خود را یافتند که از جمله می‌توان به دستور کار ۲۱ یونسکو (۱۹۹۲)، استراتژی لیسبون وابسته به اتحادیه اروپا (۲۰۰۰) و نشست شورای اروپایی در گوتنبرگ (۲۰۰۱) اشاره کرد. پس از این رویدادها سیاست‌گذاران مفهوم پایداری اجتماعی را در گفتمان پایداری در اولویت قرار دارند و حتی بهتر است در دهه‌های اخیر و پیش‌رو (از قرن ۲۱ به بعد) شاهد تعادل اهمیت این سه بعد توسعه پایدار باشیم (کولانتونیو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۳).

به هر روی، پیدایش مفهوم پایداری در دهه ۱۹۷۰ را می‌توان نتیجه آگاهی تازه‌ای از مسائل جهانی محیط‌زیست و توسعه دانست که تحت تأثیر عواملی مانند جنبش‌های زیست‌محیطی دهه ۱۹۶۰، انتشار کتاب‌هایی مانند *محدودیت‌های رشد*، اعلامیه کوکویوک در ۱۹۷۰، کنفرانس سازمان ملل درباره «محیط‌زیست و توسعه» در سال ۱۹۷۲، اجلاس ریو و دستور کار ۲۱ قرار گرفته بود (بحرینی و مکنون، ۱۳۸۰: ۴۲)؛ بنابراین صحبت درباره پایداری اجتماعی و فرهنگی، به این معناست که وضعیت و پوسته سنتی جامعه از حیث اجتماعی و فرهنگی مؤثر نبوده و ناکام بوده است و به عبارت دیگر با پایداری نبودن وضعیت اجتماعی و فرهنگی سنتی مواجهیم؛ پایداری‌ای که نتوانسته است عدالت نسلی را برای همه شهروندان رقم بزند و چنانکه اشاره شد، به مشکلات و بحران‌های زیادی را منجر شده است؛ بنابراین در مفهوم پایداری، چه از حیث اجتماعی و چه از حیث فرهنگی، با دو مفهوم عدالت (حق به شهر) و نسل (زمان) مواجهیم. پایداری اجتماعی و فرهنگی، به مفهوم توسعه پایدار هویت تازه‌ای بخشید و آن را وارد فضای مفهومی و سیاست‌گذاری تازه‌ای کرد که تا پیش از این از آن غفلت شده بود.

با این حال موضوع این است که اگرچه شهرهای ایران در برخورد با فرایند توسعه سازگاری‌هایی یافته‌اند، بسیاری از این سازگاری‌ها شکلی بیمارگونه دارد. ازدست‌رفتن هویت فضایی شهری، ناخوانایی فضایی، بی‌معنایی در ساخت‌وسازهای بی‌رویه، ظاهر نازیبای شهری و وجود انبوه وسایل نقلیه و توده‌های مردمی که بی‌اعتنا از کنار یکدیگر می‌گذرند، نابرابری، فقر، انواع آسیب‌های اجتماعی و امثال آن، نشانه‌هایی بارز از وجود شهرهای ناپایدار در ایران به‌شمار می‌روند (معمار، ۱۳۹۴: ۱۸). به عبارت دیگر مسائلی مانند صنعتی‌شدن، شهرگرایی و رشد جمعیت، ورود مهاجران، تراکم و سرریز جمعیت، گسترش مرزهای شهری، ازبین‌رفتن ساختار اجتماعی محله‌ها، ضعف تعاملات اجتماعی، رشد فردگرایی و نظایر آن به چالش‌ها و بحران‌های متعددی در شهر تهران منجر شده است؛ مانند فقر، تخریب محیط‌زیست، نداشتن خدمات شهری، دسترسی نداشتن به خدمات، کاهش فرصت‌ها، ناهمگونی جمعیت، تنزل کیفیت هوا و درنهایت فرسایش کیفیت زندگی و شهر ناپایداری را از حیث اجتماعی و فرهنگی رقم زده است. درواقع وضعیتی که در شهر تهران رقم خورده، واجد این معناست که شهر تهران از حیث پایداری اجتماعی و فرهنگی دستخوش تغییر شده و شهری ناپایدار است. اگرچه در این ناپایداری، وضعیت پهنه‌ها و مناطق مختلف از یکدیگر متفاوت است، بسیاری از عناصر ناپایداری در پهنه‌های مختلف یکسان هستند و می‌توان آن‌ها را به یکدیگر تسری داد؛ برای مثال نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد، مناطق ۱۲، ۶، ۳ و ۱ از لحاظ پایداری اجتماعی شرایط مناسب‌تری از دیگر مناطق شهر تهران دارند و مناطق ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱ و ۱۰ مناطق ناپایدار اجتماعی در کلان‌شهر تهران هستند (مشکینی، برهانی و شعبان‌زاده نمینی، ۱۳۹۲).

با این حال و با وجود ضرورت توجه به مفهوم پایداری اجتماعی و فرهنگی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های شهری، مرور منابع نشان می‌دهد توجه چندانی به این موضوع نشده است؛ درحالی‌که شهر تهران با داشتن سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی منحصربه‌فرد، چه در قالب تکرر قومی و فرهنگی، میراث فرهنگی و چه با داشتن سرمایه‌های فیزیکی، پتانسیل چشمگیری در تحقق این مفهوم دارد. در برنامه‌های سه‌گانه توسعه شهر تهران نیز، انتظار بر این است که این مفهوم به‌منزله بستر و پایه سیاست‌گذاری‌ها حداقل در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی مدنظر قرار بگیرد. در برنامه‌های اول و دوم توسعه شهر تهران، نگاه به سیاست‌گذاری در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی، یا مفقود بود یا بیشتر مبتنی بر شعار بود تا نیازهای واقعی اجتماعی و فرهنگی شهر. همچنین برنامه‌های عملیاتی و اجرایی بر مبنای نظریه‌ای جامع پیرامون پایداری اجتماعی و فرهنگی تعریف و تدوین نشده بود. در این برنامه، مدیریت شهری تهران (شورا و شهرداری) در جایگاه خود، مسئولیت‌هایی را پذیرفته بودند که بسیار فراتر از وظایف ذاتی و قانونی آن بود. همچنین مسئولان حوزه فرهنگی و اجتماعی شهر در چشم‌انداز و عملیاتی‌کردن برنامه‌های متناظر با آن، ابهاماتی بنیادی داشتند. حتی با وجود مصوبه مشخص در برنامه دوم توسعه شهر تهران، شاخص‌های حوزه فرهنگی و اجتماعی شهر در ارتباط با شهرداری هیچ‌گاه تعریف نشد.

در برنامه سوم توسعه بیشتر سعی شده است برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بر مبنای نیازهای شهر و قابلیت اجرا تنظیم و تدوین شوند. شاخص‌های سطوح اول تا سوم حوزه اجتماعی و فرهنگی در برنامه سوم توسعه با رویکرد پایداری اجتماعی و فرهنگی تدوین شده است، اما به نظر می‌رسد این شاخص‌ها از یک سو پشتوانه نظری و مفهومی و نیز جامعیت لازم را ندارند و از سوی دیگر در برنامه‌ریزی جامع و تفصیلی فرهنگی و اجتماعی و همچنین ابلاغ و نظارت بر اجرا و عملیاتی‌کردن آن‌ها با ابهامات و چالش‌های فراوان همراه باشد؛ از این رو باید ابعاد نظری و مفهومی پایداری اجتماعی و فرهنگی و شاخص‌های آن با توجه به نقش مدیریت شهری در ارتقای آن بازبینی، واکاوی و مطالعه شود.

مسلم است همچنان مفهوم و وضعیت پایداری اجتماعی و فرهنگی در شهر تهران چندان برای مسئولان و متولیان امر به‌ویژه شورای شهر و شهرداری تهران روشن نیست. مطالعات صورت‌گرفته نیز با رویکرد مدیریت و برنامه‌ریزی انجام شده است. در این میان نیاز به مطالعات با رویکرد جامعه‌شناختی که توجه ویژه به امر اجتماعی و فرهنگی پایداری داشته باشد، ضروری است. با عنایت به این موضوعات و ضرورت تحقیق پیرامون پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران، آنچه اهمیت دارد، معرفت به ماهیت و نوع شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی در شهر تهران است؛ معرفتی که می‌تواند زمینه مطالعات و اقدامات بعدی برای سنجش و تبیین شاخص‌ها در بافت این شهر و در نهایت ترمیم و ارتقای پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر را موجب شود؛ از این رو مطالعه حاضر با این سؤال جهت‌دهی شده است که مهم‌ترین شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران در مؤلفه‌ها، معیارها، زیرمعیارها و معرف‌های گوناگون کدامند و کدامیک از این شاخص‌ها اهمیت و وزن بیشتری در تشکیل سازه پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران دارند.

## ۲. پیشینه پژوهش

سابقه مطالعات انجام‌شده پیرامون پایداری اجتماعی در ایران به حدود دو دهه پیش برمی‌گردد. اگرچه در این زمان مطالعات اندکی در این زمینه در فضای آکادمیک (مانند پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری) صورت گرفته است، در بخش سازمانی استقبال چندانی از موضوع پایداری نشده و مطالعات این حوزه در نظر سازمان‌ها مغفول مانده است. این مطالعات که در دو دهه اخیر در این زمینه و بیشتر در سطح شهر انجام شده‌اند، متناسب با موضوع تحقیق، در دو دسته قرار دارند: دسته اول مطالعاتی که در سطح شهر

تهران و در عین حال در سطح استان‌ها و شهرهای دیگر صورت گرفته‌اند؛ بنابراین در این قسمت به برخی مطالعات مهم که در شهرهای دیگر انجام شده‌اند، اشاره شده است، اما ترجیح مطالعه، همان شهر تهران است. دسته دوم، مطالعاتی هستند که یا پایداری اجتماعی یا پایداری فرهنگی یک وجه را به‌منزله موضوع مطالعه انتخاب کرده‌اند؛ چه بسا تعداد مطالعاتی که هر دو وجه پایداری را مورد توجه قرار داده باشند، بسیار نادر است.

از جمله شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی که در مطالعات ایرانی به آن‌ها توجه شده است، می‌توان به مشارکت اجتماعی (صالحی میلانی و محمدی، ۱۳۸۹؛ پورطاهری، زال و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۰؛ جمعه‌پور، نجفی و شفیعا، ۱۳۹۱؛ نسترن، قاسمی و هادی‌زاده زرگر، ۱۳۹۲؛ مختاری ملک‌آبادی، مرصوصی، حسینی و غلامی، ۱۳۹۳؛ مافی و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۶؛ نسترن، قاسمی و هادی‌زاده زرگر، ۱۳۹۶؛ حسین‌پور، ظهیری و موسائی، ۱۳۹۹)، جمعیت (کاظمی محمدی و شکویی، ۱۳۸۱؛ پورطاهری، زال و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۰؛ مشکینی، برهانی و شعبان‌زاده نمینی، ۱۳۹۲)، دسترسی به خدمات و فضاهای اجتماعی و فرهنگی (صالحی میلانی و محمدی، ۱۳۸۹؛ پورطاهری، زال و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۰؛ حسینی، ۱۳۹۳؛ انوری و ریسی، ۱۳۹۵؛ ارمغان، ۱۳۹۸)، برابری و عدالت (جمعه‌پور، نجفی و شفیعا، ۱۳۹۱؛ مشکینی، برهانی و شعبان‌زاده نمینی، ۱۳۹۲؛ توانا و نوریان، ۱۳۹۵؛ مافی و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۶)، کیفیت زندگی (نسترن، قاسمی و هادی‌زاده زرگر، ۱۳۹۲؛ حسین‌پور، ظهیری و موسائی، ۱۳۹۹)، امنیت (نسترن، قاسمی و هادی‌زاده زرگر، ۱۳۹۲؛ حسینی، ۱۳۹۳؛ حسین‌پور، ظهیری و موسائی، ۱۳۹۹) و انسجام اجتماعی (حسینی، ۱۳۹۳) و حس تعلق به مکان (خاکپور، شریف‌زاده اقدم و شیخی، ۱۳۹۷؛ عبدالله‌زاده، رهنما، اجزاء شکوهی و موسوی، ۱۳۹۹) اشاره کرد.

در ادبیات خارجی با حجمی غنی از مطالعات در زمینه پایداری مواجهیم و می‌توان گفت هم‌زمان با آغاز و تکوین مفهوم پایداری، مطالعات تجربی پیرامون آن نیز آغاز شده است، اما همان‌طور که در این مطالعات خارجی نیز مشهود است، بیشتر مطالعات موجود در این زمینه به پایداری اجتماعی محدود شده و کمتر مطالعه‌ای درباره پایداری فرهنگی موجود است. از جمله شاخص‌هایی که در این مطالعات خارجی به موضوع پایداری اجتماعی و فرهنگی اشاره کرده‌اند، می‌توان به مشارکت (دمپسی و همکاران، ۲۰۰۹؛ لاریمیان و صادقی، ۲۰۱۹)، امنیت و ایمنی (دمپسی و همکاران، ۲۰۰۹؛ بی‌زینسکا، ۲۰۱۵؛ آیزنبرگ و جبارین، ۲۰۱۷؛ اورفالی دوگو و آراس، ۲۰۱۹)، سرمایه اجتماعی (کولانتونیو، ۲۰۰۷)، برابری و عدالت (کولانتونیو، ۲۰۰۷؛ دمپسی و همکاران، ۲۰۰۹؛ بی‌زینسکا، ۲۰۱۵؛ آیزنبرگ و جبارین، ۲۰۱۷؛ لاریمیان و صادقی، ۲۰۱۹)، حس تعلق به مکان (دمپسی و همکاران، ۲۰۰۹؛ اورفالی دوگو و آراس، ۲۰۱۹؛ لاریمیان و صادقی، ۲۰۱۹)، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی (اکسیلسون و همکاران، ۲۰۱۲)، دسترسی به خدمات اجتماعی و فرهنگی (بافو و موتیسیا، ۲۰۱۵؛ دوکسبوری و جین‌نوت، ۲۰۱۵)، کیفیت زندگی (دوکسبوری و جین‌نوت، ۲۰۱۵)، مصرف‌سازگار با زیست‌بوم و اشکال شهری پایدار (آیزنبرگ و جبارین، ۲۰۱۷) و درک از محیط و رضایت از فضا (اورفالی دوگو و آراس، ۲۰۱۹) اشاره کرد.

جمع‌بندی و نقد مطالعات قبلی درباره پایداری اجتماعی و فرهنگی دلالت بر چندین نتیجه‌گیری دارد که مهم‌ترین وجوه مزیت و نوآوری مطالعه حاضر از آن‌ها نیز به‌شمار می‌روند:

۱. مطالعات پایداری اجتماعی و فرهنگی در ایران ابتدا در حوزه آکادمیک (مانند پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری) ظهور یافت و سپس به سمت سازمان‌ها و مؤسسات دولتی به‌ویژه شهرداری گسترش یافت؛ با این حال، حجم مطالعات آکادمیک همچنان بیشتر از مطالعات سازمانی است. بر همین اساس، مطالعه حاضر ماهیت سازمانی دارد و این مسئله، بر وجه کاربردی و سیاست‌گذارانه بودن تحقیق دلالت دارد که مطالعات قبلی به‌ویژه آکادمیک کمتر به آن توجه داشته‌اند.

۲. در ادبیات موجود، مطالعات پایداری اجتماعی و فرهنگی شهری دو دسته‌اند: یا پایداری اجتماعی را مدنظر قرار داده‌اند که بسیاری از مطالعات در این دسته‌اند، یا پایداری فرهنگی را بررسی کرده‌اند که مطالعات صورت‌گرفته در این دسته بسیار نادرند. مطالعه حاضر

هر دو وجه اجتماعی و فرهنگی پایداری را به‌عنوان یک سازه ترکیبی متشکل از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها مطالعه و تحلیل کرده است.

۳. یکی دیگر از وجوه تمایز این مطالعه در مقایسه با برخی مطالعات قبلی، استفاده از فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP) برای اعتباریابی، اولویت‌بندی و وزن‌دهی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی است که در مطالعات قبلی بسیار کمتر استفاده شده است و مبتنی بر روش‌های دیگر مانند پیمایش بوده‌اند.

### ۳. تأملات نظری

درباره مفهوم پایداری اجتماعی و فرهنگی و مباحث پیرامونی آن، با تنوعی از نظریه‌ها و مفهوم‌سازی در ادبیات موجود مواجهیم که جزء منابع مرجع برای تولید ادبیات نظری و تجربی در این زمینه به‌شمار می‌روند. مطالعه حاضر نیز با توجه به جامعیت و کلیتی که برای مفهوم پایداری اجتماعی و فرهنگی در شهر تهران در نظر گرفته است، از مجموع این نظریه‌ها و مفاهیم متناسب با توضیح مجمل و کاملی که در زیر ارائه داده، استفاده کرده است.

اجماع عمومی بر این است که ابعاد مختلف توسعه پایدار وزن یکسانی را از سوی سیاست‌گذاران ندارد و هر سازمان و سیاست‌گذاری با توجه به موضوع فعالیت خود و گفتمان غالب هر دوره، بر یکی از ابعاد سه‌گانه زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در توسعه پایدار تأکید داشته و اهتمام کمتری بر دیگر ابعاد یافته است؛ البته این بدان دلیل است که ادبیات توسعه پایدار با بعد زیست‌محیطی آن به‌ویژه در نتیجه جنبش زیست‌محیطی دهه ۱۹۶۰ و هواداران جنبش «نیازهای پایه» در دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است؛ از این‌رو حجم مطالعاتی که درباره ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی وجود دارد، به‌مراتب بیشتر از بعد اجتماعی است و حتی به‌زعم لیتیگ و گریسلر<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) پژوهش‌هایی که اکنون وجود دارند نیز مبتنی بر نظریه‌ها نیستند و بیشتر مبتنی بر درک کاربردی و برنامه‌های کاری قرار دارند (نقل از کولاتونو، ۲۰۰۷: ۴).

در ادبیات موجود، برخی صاحب‌نظران سعی کردند مفهوم پایداری اجتماعی و فرهنگی را تعریف کنند، اما برخی دیگر براساس شاخص‌های سازنده پایداری، آن را تعریف کردند. ضمن اینکه بیشتر این صاحب‌نظران به موضوع پایداری اجتماعی پرداخته‌اند تا پایداری فرهنگی؛ البته به نظر می‌رسد بخشی از دلیل این امر، آن است که مفهوم اجتماعی در پایداری اجتماعی در معنای وسیع آن دیده شده است که شامل وجه فرهنگی نیز می‌شود؛ برای مثال در میان گروه اول، مک‌لارن<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) وقتی درباره پایداری اجتماعی صحبت می‌کند، بر مفهوم عدالت تأکید دارد و در تعریف آن می‌نویسد: «تداوم تمدنی که در آن انسان‌ها توزیع عادلانه بین اغنیا و فقرا را شاهدند»؛ بنابراین در این تعاریف شاهدیم مفاهیم عدالت، تعادل بین مصرف و حفظ منابع، نگهداشت و توسعه ساخت شهر از مفاهیم کلیدی هستند. اورتون و شیونس<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) رویکرد اجتماعی به توسعه پایدار را با مؤلفه‌های توجه به جایگاه فقرا و رفع نیازهای اساسی عموم و تأکید بر سه عنصر تعادل، عدالت اجتماعی و آزادی همسو می‌دانند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹). عمان<sup>۴</sup> و اسپانگنبرگ<sup>۵</sup> (۲۰۰۲: ۵) پایداری را مفهومی انسانی به معنای عدالت بین نسلی و درون‌نسلی و حق داشتن یک زندگی آبرومندانه می‌دانند. یکی از عناصر اصلی این مفهوم، تعهد به انسجام اجتماعی، بیزاری از محرومیت و تبعیض اجتماعی (از جمله تبعیض

1. Liting & Griebler  
2. Maclaren  
3. Overton & Scheyvens  
4. Omann  
5. Spangenberg

جنسیتی) و نیاز به تقویت مشارکت شهروندان در امور عمومی است. دستیابی به فرایندهای اجتماعی و مزایای جامعه مدرن، در بیشتر اوقات یک سویه مهم این مفهوم است، اما پایداری اجتماعی شامل حق هر شهروند برای مشارکت فعال در جامعه خود به‌منزله یک عنصر اساسی است.

پولس و استرن<sup>۱</sup> (۲۰۰۰: ۱۵-۱۶) پایداری اجتماعی را توسعه‌ای می‌دانند که با تکامل جامعه مدنی هماهنگ و سازگار است و محیطی را پرورش می‌دهد که به همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های متنوع به لحاظ اجتماعی و فرهنگی و در عین حال ادغام اجتماعی و بهبود در کیفیت زندگی همه بخش‌های جمعیت منجر می‌شود. بارون و گونتلت<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) معتقدند پایداری اجتماعی وقتی اتفاق می‌افتد که فرایندهای رسمی و غیررسمی، ساختارها و روابط به‌طور فعال از ظرفیت نسل‌های آینده برای ایجاد جوامع سالم و زیست‌پذیری حمایت می‌کنند که از نظر اجتماعی پایدار هستند، عادل و منصف، متنوع، به‌هم‌وابسته و دموکراتیک هستند و کیفیت زندگی خوب را فراهم می‌کنند. دالت لیتیگ و گریسلر (۲۰۰۵: ۷۲) از نقطه‌نظر جامعه‌شناسی، پایداری اجتماعی را چنین تعریف می‌کنند: «... یک کیفیت از جوامع. آن دلالت بر روابط طبیعت-جامعه، با واسطه کار و نیز روابط درون جامعه دارد. پایداری اجتماعی مجموعه وسیعی از نیازهای انسانی را به‌گونه‌ای برطرف می‌کند که طبیعت و قابلیت‌های آن در دوره زمانی طولانی حفظ شود و ادعاهای هنجاری عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و مشارکت برآورده شوند». از نظر وودکرافت<sup>۳</sup> (۲۰۱۱: ۱۶؛ ۲۰۱۵: ۳)، پایداری اجتماعی فرایند ایجاد مکان‌های پایدار و موفق است که با درک آنچه مردم برای زندگی و کار در مکان‌های خود به آن‌ها نیاز دارند، به بسط بهزیستی منجر می‌شود. پایداری اجتماعی طراحی قلمرو فیزیکی را با دنیای اجتماعی ترکیب می‌کند؛ یعنی زیرساخت‌های لازم برای حمایت از زندگی اجتماعی و فرهنگی، امکانات و تسهیلات اجتماعی، نظام‌هایی برای درگیری و مشارکت مدنی و فضای تکامل مردم و مکان‌ها.

دسته دوم از صاحب‌نظران سعی کردند پایداری اجتماعی و فرهنگی را، نه براساس ماهیت آن، بلکه براساس شاخص‌های سازنده آن تعریف کنند؛ برای مثال بنیاد هانس-باکالر-استیفتانگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) با تمرکز بر بعد اجتماعی توسعه پایدار، آن را شامل سبک زندگی خودتعیینی، ارضای نیازهای پایه، نظام تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر و توانمندسازی نوآوری اجتماعی می‌داند. باینس و مورگان<sup>۵</sup> (۲۰۰۴) مهم‌ترین عناصر پایداری اجتماعی را که در تعاریف مختلف آمده است، عبارت می‌دانند از رفع نیازهای پایه، محرومیت‌زدایی به‌منظور رفع ناتوانی فردی، پرورش مسئولیت فردی و اجتماعی، حفظ و توسعه سرمایه اجتماعی، توزیع عادلانه فرصت‌ها، به‌رسمیت‌شناسی تنوع فرهنگی، پرورش مدارا و قدرتمندسازی مردم برای مشارکت. ساجس<sup>۶</sup> پایداری اجتماعی را شامل درجه همگنی اجتماعی، توزیع متساوی درآمد، اشتغال، دسترسی یکسان به منابع و خدمات اجتماعی، مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری و انسجام اجتماعی دانسته است (اشنایبرگ و کلمنز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). وینگتنر و مبرگ<sup>۸</sup> در سال ۲۰۱۱ پایداری اجتماعی را مجموعه‌ای از شاخص‌هایی معرفی کرده‌اند که عبارت‌اند از: دسترسی (اشتغال، فضای باز، خدمات محلی)، سرمایه اجتماعی، بهداشت و بهزیستی، انسجام اجتماعی در ابعاد عینی و ذهنی، توزیع عادلانه اشتغال و درآمد، مشارکت محلی، میراث فرهنگی، آموزش، مسکن، ثبات اجتماعی، ارتباط و حرکت (عابر پیاده، حمل‌ونقل مناسب)، عدالت اجتماعی (درون و بین نسلی) و حس مکان و تعلق. وودکرافت (۲۰۱۵) علاوه بر تعریف ماهوی پایداری اجتماعی که پیش‌تر گذشت، وقتی به سنجش این مفهوم می‌رسد، آن را شامل ۳ حوزه اصلی و در مجموع ۱۳ شاخص می‌داند: ۱.

1. Polese & Stern
2. Barron & Gauntlett
3. Woodcraft
4. Hans-Böckler-Stiftung
5. Baines & Morgan
6. Sajes
7. Schneiburg & Clemens
8. Weingaertner & Moberg

زندگی اجتماعی و فرهنگی شامل هویت محلی، پیوند با همسایگان، بهزیستی، احساس ایمنی، تسهیلات و امکانات محلی، ۲. زیرساخت‌ها شامل فضای اجتماع محلی، حمل‌ونقل، کاراکتر متمایز، ادغام محلی، مبلمان شهری، ۳. صدا و نفوذ شامل میل به کنش و توانایی نفوذ و اثرگذاری.

گفتنی است پایداری فرهنگی در مفهوم‌پردازی و صورت‌بندی مؤسسات بین‌المللی و ایده‌پردازان مابعد آن، بعد مجزا و اصلی نیست و بیشتر یکی از ابعاد و عناصر پایداری اجتماعی محسوب می‌شود، اما بسیاری از ایده‌پردازان بعدی از این رؤیت‌ناپذیری نقد کرده‌اند. یکی از اولین کسانی که به پایداری فرهنگی توجه کرده و به مفهوم‌پردازی آن پرداخته است، دیوید تراسی<sup>۱</sup> (۲۰۰۳: ۱۸۳-۱۸۶) است. به اعتقاد او کمیسیون فرهنگ و توسعه سال ۱۹۹۵ سازمان ملل که به پرورش ایده‌های فرهنگی توجه کرد، برای نخستین بار از اصطلاح قدیمی نیازهای نسل آینده برای دستیابی به منابع فرهنگی استفاده کرد و از آن پس مفهوم پایداری فرهنگی زاده شد. تراسی قائل به هفت موضوع محوری در زمینه پایداری فرهنگی است: بهزیستی مادی و غیرمادی، عدالت بین‌نسلی، عدالت درون‌نسلی، حفظ تنوع، اصل احتیاط، نگهداری از سیستم‌های فرهنگی و به‌رسمیت‌شناختن سیستم‌های متقابل.

مؤسسه مطالعات توسعه پایداری<sup>۲</sup> (۱۹۹۸) پایداری فرهنگی را در قالب توانایی حفظ هویت فرهنگی و رواداری تغییر در انطباق با ارزش‌های فرهنگی مردم تعریف می‌کند. هاوکس (۲۰۰۵: ۳۰) پایداری اجتماعی را شامل مقابله با تأثیرات روند جهانی‌شدن و حفظ هویت، توسعه فرهنگی، تحقق ابعاد حس مکان، توجه به میراث تاریخی و ملی و مذهبی، تأکید بر هنر و آموزش و ایجاد خدمات فرهنگی می‌داند. دابلدی، مک‌کنزی و دالبی<sup>۳</sup> (۲۰۰۶: ۳۹) معتقدند پایداری فرهنگی، ادراک فعالانه و توأمان فرهنگ و به‌رسمیت‌شناسی اهمیت مکان جغرافیایی است؛ زیرا اقداماتی که باید برای پایداری انجام شود، در قالب مکان‌های جغرافیایی و جوامع خاص رخ می‌دهد. از نظر آن‌ها، گفتمان مؤثر در زمینه پایداری، نیازمند ملاحظه پیچیدگی و پویایی مناسبات فرهنگی در قالب مکان‌های جغرافیایی متفاوت است و نه توجه جداگانه به مردم و محیط‌زیست آن‌ها؛ بنابراین مباحث بنیادی در زمینه پایداری باید نشان‌دهنده تمایزهای محیطی و فرهنگی و تمرین فعالانه زیستن در مکانی با ساختار فرهنگی ویژه باشد (به نقل از صالحی میلانی و محمدی، ۱۳۸۹: ۴۶).

آکسیلسون و همکاران (۲۰۱۳: ۲۱۹) نیز پایداری فرهنگی را بر مبنای ترکیبی از انواع ایده‌های ایده‌پردازان با مجموعه‌ای از شاخص‌های سرزندگی حیات فرهنگی، تنوع، مشارکت و سرمایه اجتماعی، چشم‌انداز فرهنگی، میراث فرهنگی، دسترسی فرهنگی و مصرف فرهنگی تعریف می‌کنند. بورفورد<sup>۴</sup> و همکارانش (۲۰۱۳) پایداری فرهنگی را ستون مفقودشده توسعه پایدار [در تعاریف رایج مؤسسات بین‌المللی] تلقی می‌کنند و ستون‌های دیگری مانند فرهنگ، زیست‌پذیری، حکمرانی، سیاست و ارزش‌های اخلاقی را برای یک ساختار چندستونی پیشنهاد می‌کنند (شیرازی و کیوانی، ۲۰۱۷: ۳). سوئینی و بیرکلند<sup>۵</sup> (۲۰۱۴: ۲۱۶-۲۱۸) پایداری فرهنگی را به شاخص‌های میراث فرهنگی، سرزندگی حیات فرهنگی، سرزندگی حیات اقتصادی، تنوع فرهنگی، محلی‌گرایی، تاب‌آوری زیست‌محیطی و تمدن محیط‌زیست فرهنگی محدود کرده‌اند.

به هر حال در مطالعه حاضر با توجه به جامعیت و کلیتی که برای تدوین شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران در نظر گرفته شده، از ترکیب مفاهیم مستخرج از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران و همچنین پیشینه تجربی برای تدوین این شاخص‌ها استفاده شده است. از حیث مفهوم‌پردازی، در پژوهش حاضر چارچوب مفهومی منتخب با بحث‌های نظری و مفهومی سازه پایداری

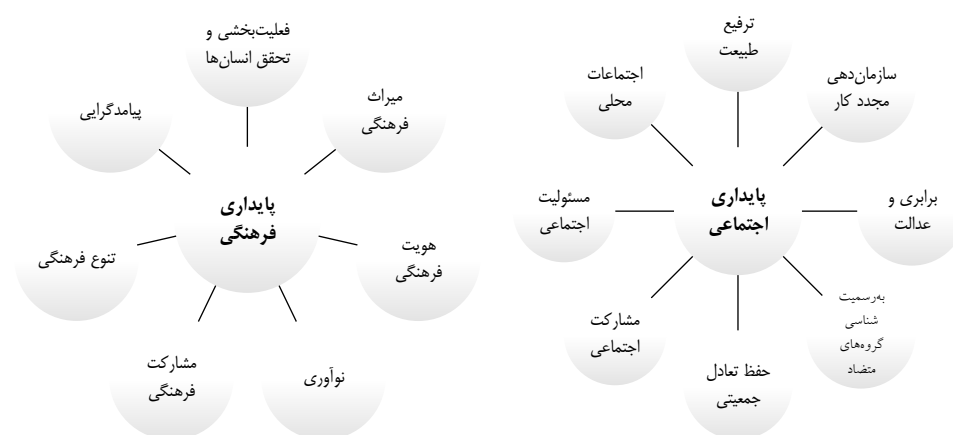
1. Throsby  
2. Sustainability Development Research Institute  
3. Doubledy, Mackenzie & Dalby  
4. Burford  
5. Soini & Birkeland



اجتماعی و فرهنگی و نیز بافت شهر تهران، همگرایی و قرابت لازم را داشت. داده‌های پژوهش نیز براساس آن تولید، جمع‌آوری و تحلیل شدند.

در این رویکرد تلفیقی، مفهوم پایداری شهر تهران در دو بعد مستقل و مرتبط پایداری اجتماعی و پایداری فرهنگی صورت‌بندی شد و براساس این دو تدوین شاخص‌های مرتبط با آن‌ها صورت گرفت؛ بنابراین این دو بعد، کاملاً متداخل هم هستند و نمی‌توان مرزی میان آن‌ها متصور شد. همچنین تقسیم‌بندی دوگانه پایداری اجتماعی و فرهنگی در این تحقیق و در این زمینه، تنها جنبه سنجشی و تحلیلی دارد.

**بعد اول، پایداری اجتماعی:** از این منظر، پایداری اجتماعی در این تحقیق براساس هشت مؤلفه (ترفع طبیعت، سازمان‌دهی مجدد کار، برابری و عدالت، به‌رسمیت‌شناسی گروه‌های متضاد اجتماعی، حفظ تعادل جمعیتی، مشارکت اجتماعی، مسئولیت اجتماعی و اجتماعات محلی) صورت‌بندی شد که با ابتدا بر چهار رویکرد مدنظر، برای هر یک شاخص‌هایی براساس مضامین محوری هریک تدوین و احصا شد.



شکل ۱. مدل مفهومی پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران

**بعد دوم، پایداری فرهنگی:** در این بعد، براساس این چهار رویکرد می‌توان مؤلفه‌ها و به‌تبع آن معیارها و شاخص‌های متعددی را در خوانشی منسجم احصا کرد که شامل هفت مؤلفه فعلیت‌بخشی و تحقق انسان‌ها، میراث فرهنگی، هویت فرهنگی، نوآوری، مشارکت فرهنگی، تنوع فرهنگی و پیامدگرایی هستند.

#### ۴. روش‌شناسی

این پژوهش با روش‌شناسی کمی، روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه مشتمل بر چک‌لیست شاخص‌ها، شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران را با توجه به نقش شورای شهر و شهرداری تهران تدوین کرده است. در این روش، ابتدا براساس مبانی نظری و خوانش تئوریک، مطالعات داخلی و خارجی و اسناد فرادست، فهرست اولیه شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران تدوین و این شاخص‌ها پس از پالایش، اعتباریابی و وزن‌دهی با تکنیک فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP) نهایی شدند. حجم نمونه شامل ۳۰ صاحب‌نظر و کارشناس مرتبط با موضوع پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران در رشته‌های جامعه‌شناسی، سیاست

اجتماعی، برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، مدیریت شهری، برنامه‌ریزی شهری، جغرافیا و مانند این‌ها بودند که با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و راهبردهای گلوله‌برفی انتخاب شدند. همچنین افراد مهم که در آن گروه‌های دارای اطلاعات غنی از یک سو و در رشته‌های مختلف مرتبط با ابعاد پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران از سوی دیگر انتخاب شدند. داده‌ها ابتدا با روش‌های تحلیل عامل اکتشافی (EFA) و تأییدی (EFA) به منظور اعتباریابی و دستیابی به ساختار عاملی زیربنایی داده‌ها و سپس با فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP)، به تعیین ضرایب اهمیت و وزن مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی برای اولویت‌بندی تحلیل شدند.

## ۵. یافته‌ها

با توجه به سؤالات تحقیق از یک سو و مضمون محتوای بررسی‌شده درباره پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران از سوی دیگر، ساختار یافته‌های تحقیق در سه بخش اصلی و چندین بخش فرعی به شرح زیر تنظیم شده است.

### ۵-۱. فهرست شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران

پس از ارزیابی و توصیف میزان صحت و دقت بازنمایی شاخص‌های آمده در پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران، این شاخص‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS اعتبارسنجی شدند. در نهایت نیز براساس جمع‌بندی‌های تئوریک و فرایندهای میدانی در فازهای مختلف، شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران با تأکید بر نقش مدیریت شهری به شرح زیر تدوین و سپس اولویت‌بندی شدند و مبنای تدوین سند عملیاتی قرار گرفتند.

جدول ۱. فهرست شاخص‌های پایداری اجتماعی شهر تهران با تأکید بر نقش مدیریت شهری

مؤلفه‌ها	معیارها	زیرمعیارها / شاخص‌ها
حفظ و بهبود طبیعت شهری	الف) سامان‌دهی طبیعت شهری	۱. مدیریت پایدار منابع آبی شهر و حفاظت از ذخایر آبی شهر
		۲. مدیریت فضای سبز شهری متناسب با منابع آبی شهری
		۳. بازآفرینی و حفاظت از پارک‌ها و زیستگاه‌های طبیعی شهر
سازمان‌دهی مجدد کار	ب) رفع آلاینده‌های شهری	۱. محدودکردن فعالیت صنایع آلاینده شهری (برحسب میزان آلاینده‌ی)
		۲. کنترل آلاینده‌های شیمیایی و الکترونیکی و دفع پایدار این پسماندها
		۳. تفکیک و اصلاح فرایند بازیافت زباله‌های بافت مسکونی شهری
برابری و عدالت	الف) تغییر در مناسبات و روابط کار در شهر	۱. حمایت و تقویت تعاونی‌های تولید شهری در نسبت با بخش خصوصی
		۲. حمایت از قراردادهای طولانی‌مدت کار
		۳. حمایت از منافع جمعی همه ذی‌نفعان به لحاظ سهم‌شدن در سود و منافع مادی و معنوی حاصل از کار
برابری و عدالت	ب) تقویت کسب‌وکارهای محلی	۱. تقویت قابلیت‌ها و مهارت‌های عملی و علمی نیروهای بومی و محلی
		۲. تخصیص فضای مناسب به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط محلی
		۱. حمایت از افزایش قدرت و اختیار نیروهای کار در فرایند کار
برابری و عدالت	پ) کاهش کار فرسایشی	۲. محدودکردن ساعات کار اجباری
		۱. تلاش برای برآوردن عادلانه نیازهای اساسی شهروندان (مسکن، کار و...)
		۲. حمایت از اعطای دستمزدهای عادلانه برای تأمین نیازهای اساسی
برابری و عدالت	ب) توزیع برابر فرصت‌های شهری در	۱. امکان دسترسی برابر به فرصت‌ها، امکانات و زیرساخت‌های شهری

مؤلفه‌ها	معیارها	زیرمعیارها / شاخص‌ها
	راستای حق به شهر	۲. تخصیص عادلانه فضای شهری برای همه افراد از جمله توان‌یابان / ناتوانان
	(پ) کاهش شکاف مرکز و پیرامون	۱. تقویت زیرساخت‌های مناسب برای نقاط پیرامونی شهر ۲. جلوگیری از طرد اجتماعی
تصدیق گروه‌های اجتماعی	به رسمیت شناختن گروه‌های اجتماعی گوناگون	۱. حمایت از هویت شهروندان با منافع طبقاتی و اجتماعی مختلف
		۲. حمایت از برابری حقوق برای گروه‌های قومی، مذهبی و طرد شده
		۳. افزایش روحیه مدارا و تساهل در میان نهاد مدیریت شهری و مجریان قانون در برخورد با شهروندان
پایداری جمعیت	حفظ تعادل شهری	۱. حفظ جمعیت فعال شهر
		۲. برنامه‌ریزی برای حفظ توازن جمعیت در نسبت با زیرساخت محله‌های شهری
مشارکت اجتماعی	گسترش مشارکت دموکراتیک شهروندان در قدرت	۱. مدیریت مشارکتی با حمایت از کنشگری شهروندان، سمن‌ها و کانون‌های اجتماع محور در امور شهری
		۲. واگذاری تصمیم‌گیری‌ها و مسئولیت‌های محله به شهروندان و کانون‌های اجتماع محور
		۳. توسعه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های گروه‌های مردمی برای مداخله در امور توسعه شهری
مسئولیت اجتماعی	الف) مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها/ نهادها ب) مسئولیت اجتماعی کنشگران محل پ) مسئولیت اجتماعی نهاد مدیریت شهری	۱. تدوین برنامه مسئولیت اجتماعی برای سازمان‌ها و شرکت‌های فعال در هر منطقه با توجه به نوع فعالیت آن‌ها برای به حداکثر رساندن منافع عمومی
		۱. هم‌اندیشی با کنشگران فردی برای واگذاری مسئولیت اجتماعی به آن‌ها در اجتماع محلی
		۱. برنامه‌ریزی برای حفاظت از منابع زیست‌محیطی ۲. اجرای دقیق سیاست‌های حفظ طبیعت شهری و زیرساخت‌ها ۳. پایش، رصد و ارزیابی به‌روز و کارآمد سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها
پایداری اجتماعات محلی	حفظ اجتماعات محلی	۱. حفظ هویت اجتماعات محلی و ارکان‌های اجتماع محور محله‌ها
		۲. نگهداشت حریم مسکونی و جلوگیری از ورود مراکز تجاری و مال‌ها به آن
		۳. تقویت رفاه و بهزیستی برحسب نیاز شهروندان

## جدول ۲. فهرست شاخص‌های پایداری فرهنگی شهر تهران با تأکید بر نقش مدیریت شهری

مؤلفه‌ها	معیارها	زیرمعیارها / شاخص‌ها
شکوفایی و فعلیت‌بخشی شهروندان	الف) زمینه‌سازی برای کشف قابلیت‌های شهروندان در محل	۱. استفاده از امکانات محله‌ها مانند سرای محله، فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ برای استعدادیابی
	ب) پرورش تفکر انتقادی و ادراک کیفی امور	۱. برگزاری برنامه‌های آموزشی با محوریت تفکر انتقادی در مراکز مدیریت محلی مانند سرای محله، فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ
میراث فرهنگی	نظهداری از موارث فرهنگی	پ) پرورش مهارت‌های اجتماعی و فردی شهروندان
		۱. برگزاری کارگاه‌های مرتبط با مهارت‌های اجتماعی و فردی در محله‌ها
		۱. اجرای برنامه‌های یادبود، جشنواره‌ها و مناسبت‌ها
		۲. اجرای برنامه‌های تجدید حیات فرهنگی براساس نیاز محله‌ها و با مشارکت خود مردم ۳. حفظ موارث فرهنگی شهر ۴. حفظ تکثر روایت‌های تاریخی
هویت فرهنگی	الف) هویت اسلامی و مذهبی	۱. پاسداشت عناصر مذهبی در شهر ۲. بهره‌گیری از نمادها، المان‌ها و عناصر فرهنگ مذهبی در طراحی مناظر شهری
	ب) هویت ایرانی و ملی	۱. پاسداشت عناصر میهنی و تاریخی در شهر ۲. بهره‌گیری از نمادها و عناصر فرهنگ تاریخ ایرانی در طراحی مناظر شهری

مؤلفه‌ها	معیارها	زیرمعیارها / شاخص‌ها
نوآوری	الف) حمایت از نوآوری‌های همراستا با محیط شهری	۱. استفاده از فناوری‌های پاک
	ب) نقد جنبه‌های عقل ابزاری تکنولوژی و نظام کنترلی آن	۱. استفاده از سیستم مدیریت دانش نقادانه در مورد استفاده از تکنولوژی
مشارکت فرهنگی	مشارکت برای ایجاد و مدیریت فضاهای فرهنگی	۱. مشارکت با مردم برای تصمیم‌گیری در امور فرهنگی شهر و محلی ۲. حمایت از تشکیل کانون‌ها و گروه‌های فرهنگی محلی
تنوع فرهنگی	حفظ آداب و رسوم محلی و زبان همه اقوام در شهر	۱. به‌کارگیری نمادهای محلی اقوام ساکن در شهر تهران با توجه به ترکیب و حضور اقوام در محله‌ها
		۲. برگزاری جشنواره‌های مختلف موسیقی، شعر و زبان اقوام
		۳. حمایت از انجمن‌ها و گروه‌های متعدد و مختلف فرهنگی در همه ابعاد فرهنگی
برابری فرهنگی	الف) برابری در توزیع سرمایه فرهنگی	۱. فراهم کردن امکان دسترسی برابر همه شهروندان و به‌ویژه افراد کمتر برخوردار به منابع ارزشمند و فضاهای فرهنگی شهری
		۲. ارتقای منابع معرفتی و سطح فرهنگ عمومی شهروندان
		۳. فراهم کردن امکان گردش اطلاعات در میان شهروندان
	ب) کاهش شکاف فرهنگی	۱. ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی برای مناطق کمتر برخوردار شهری و متناسب با نیازهای آن‌ها ۲. غنی کردن اوقات فراغت شهروندان در همه گروه‌های اجتماعی با تأکید بر افراد کمتر برخوردار

## ۵-۲. اولویت‌بندی شاخص‌ها

### ۵-۲-۱. اولویت‌بندی شاخص‌های پایداری اجتماعی

۱. اولویت‌بندی مؤلفه‌ها: براساس نتایج، مؤلفه «برابری و عدالت» بیشترین وزن نسبی و «سازمان‌دهی مجدد کار» کمترین وزن نسبی را در میان مجموعه مؤلفه‌های پایداری اجتماعی دارند.

۲. اولویت‌بندی معیارها: در میان معیارهای پایداری اجتماعی، معیارهای «توزیع برابر فرصت‌های شهری در راستای حق به شهر» و «کاهش شکاف میان مرکز و پیرامون» که هر دو متعلق به مؤلفه «عدالت و برابری» هستند، وزن نسبی بیشتری از معیارهای دیگر دارند.

۳. اولویت‌بندی زیرمعیارها: با توجه به وزن نهایی محاسبه‌شده، بیشترین اهمیت زیرمعیارها مربوط به زیرمعیارهای زیر است: مدیریت مشارکتی با حمایت از کنشگری شهروندان، سمن‌ها و کانون‌های اجتماع‌محور در امور شهری، واگذاری تصمیم‌گیری‌ها، مسئولیت‌های محله به شهروندان، تقویت زیرساخت‌های مناسب برای نقاط پیرامونی شهر، جلوگیری از طرد اجتماعی، تقویت رفاه و بهزیستی برحسب نیاز شهروندان، امکان دسترسی برابر به فرصت‌ها، امکانات و زیرساخت‌های شهری، توسعه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های گروه‌های مردمی برای مداخله در امور توسعه شهری، تلاش برای برآوردن عادلانه نیازهای اساسی شهروندان (مسکن، کار و...)، حفظ هویت اجتماعات محلی و ارکان‌های اجتماع‌محور محله‌ها، محدودکردن فعالیت صنایع آلاینده شهری (برحسب میزان آلاینده‌گی)، مدیریت پایدار منابع آبی شهر و حفاظت از ذخایر آبی شهر.

جدول ۳. اولویت‌بندی مؤلفه‌ها، معیارها و زیرمعیارهای پایداری اجتماعی شهر تهران

اولویت	زیرمعیارها	اولویت	معیارها	اولویت	مؤلفه‌ها
۱	مدیریت مشارکتی با حمایت از کنشگری شهروندان، سمن‌ها و کانون‌های اجتماع‌محور در امور شهری	۱	توزیع برابر فرصت‌های شهری در راستای حق به شهر	۱	برابری و عدالت
۲	واگذاری تصمیم‌گیری‌ها و مسئولیت‌های محله به شهروندان و کانون‌های اجتماع‌محور	۲	کاهش شکاف میان مرکز و پیرامون	۲	مشارکت اجتماعی
۳	تقویت زیرساخت‌های مناسب برای نقاط پیرامونی شهر	۳	گسترش مشارکت دموکراتیک شهروندان در قدرت	۳	مسئولیت اجتماعی
۴	جلوگیری از طرد اجتماعی	۴	مسئولیت اجتماعی نهاد مدیریت شهری	۴	پایداری اجتماعات محلی
۴	تقویت رفاه و بهزیستی برحسب نیاز شهروندان	۵	عدالت در رفع نیازهای اساسی شهروندان	۵	تصدیق گروه‌های اجتماعی
۵	امکان دسترسی برابر به فرصت‌ها، امکانات و زیرساخت‌های شهری	۵	مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و نهادها	۶	حفظ و بهبود طبیعت شهری
۶	توسعه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های گروه‌های مردمی برای مداخله در امور توسعه شهری	۶	مسئولیت اجتماعی کنشگران محلی	۷	پایداری جمعیت
۷	تلاش برای برآوردن عادلانه نیازهای اساسی شهروندان (مسکن، کار و...)	۷	حفظ جوامع محلی	۸	سازمان‌دهی مجدد کار
۸	حفظ هویت جوامع محلی و ارکان‌های اجتماع‌محور محله‌ها	۸	رفع آلاینده‌های شهری		
۹	محدود کردن فعالیت صنایع آلاینده شهری (برحسب میزان آلاینده‌گی)	۸	به رسمیت شناختن گروه‌های اجتماعی گوناگون		
۱۰	مدیریت پایدار منابع آبی و حفاظت از ذخایر آبی شهر	۸	حفظ تعادل جمعیتی		
۱۱	تدوین برنامه مسئولیت اجتماعی برای سازمان‌ها و شرکت‌های فعال در هر منطقه با توجه به نوع فعالیت آن‌ها برای به حداکثر رساندن منافع عمومی	۹	سامان‌دهی طبیعت شهری		
۱۲	حمایت از اعطای دستمزدهای عادلانه برای تأمین نیازهای اساسی	۹	تغییر در مناسبات و روابط کار در شهر		
۱۳	تخصیص عادلانه فضای شهری برای همه افراد از جمله توان‌یابان / ناتوانان	۹	تقویت کسب و کارهای محلی		
۱۴	کنترل آلاینده‌های شیمیایی و الکترونیکی و دفع پایدار این پسماندها	۹	کاهش کار فرسایشی		
۱۵	نگهداشت حریم مسکونی و جلوگیری از ورود مراکز تجاری و مال‌ها به آن				
۱۶	هم‌اندیشی با کنشگران فردی برای واگذاری مسئولیت اجتماعی به آن‌ها در اجتماع محلی				
۱۷	پایش، رصد و ارزیابی به‌روز و کارآمد سیاست‌ها، برنامه‌ها و				

اولویت	مؤلفه‌ها	اولویت	معیارها	اولویت	زیرمعیارها
					پروژه‌ها
۱۷					تفکیک و اصلاح فرایند بازیافت زباله‌های بافت مسکونی شهری
۱۸					حمایت از برابری حقوق برای همه گروه‌های قومی، مذهبی و طردشده
۱۹					برنامه‌ریزی برای حفظ توازن جمعیت در نسبت با زیرساخت محله‌های شهری
۲۰					اجرای دقیق سیاست‌های حفظ طبیعت شهری و زیرساخت‌ها
۲۱					بازآفرینی و حفاظت از پارک‌ها و زیستگاه‌های طبیعی شهر
۲۲					افزایش روحیه مدارا و تساهل در میان نهاد مدیریت شهری و مجریان قانون در برخورد با شهروندان
۲۳					برنامه‌ریزی برای حفاظت از منابع زیست‌محیطی
۲۴					حمایت از افزایش قدرت و اختیار نیروهای کار در فرایند کار
۲۵					حفظ جمعیت فعال شهر
۲۵					مدیریت فضای سبز شهری متناسب با منابع آبی شهری
۲۶					تقویت قابلیت‌ها و مهارت‌های عملی و علمی نیروهای بومی و محلی
۲۷					حمایت از هویت همه شهروندان با منافع طبقاتی و اجتماعی مختلف
۲۸					محدود کردن ساعات کار اجباری
۲۸					تخصیص فضای مناسب به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط محلی
۲۸					حمایت از منافع جمعی همه ذی‌نفعان به لحاظ سهیم‌شدن در سود و منافع مادی و معنوی حاصل از کار
۲۹					حمایت و تقویت تعاونی‌های تولید شهری در نسبت با بخش خصوصی
۳۰					حمایت از قراردادهای طولانی‌مدت کار

### ۵-۲-۲. اولویت‌بندی شاخص‌های پایداری فرهنگی

۱. اولویت‌بندی مؤلفه‌ها: با توجه به میانگین وزن نسبی مؤلفه‌های اصلی پایداری فرهنگی شهر تهران، مؤلفه تنوع فرهنگی بیشترین وزن نسبی و مؤلفه نوآوری کمترین وزن نسبی را دارند.

۲. اولویت‌بندی معیارها: در میان معیارهای پایدار فرهنگی، معیارهای «حفظ آداب و رسوم محلی و زبان همه اقوام در شهر» و «مشارکت در مدیریت فضاهای فرهنگی» وزن نسبی بیشتری از معیارهای دیگر دارند.

۳. اولویت‌بندی زیرمعیارها: در اولویت‌بندی زیرمعیارها، با توجه به وزن نهایی محاسبه‌شده، بیشترین اهمیت مربوط به زیرمعیارهای زیر است: حمایت از تشکیل کانون‌ها و گروه‌های فرهنگی محلی، مشارکت با مردم برای تصمیم‌گیری در امور

فرهنگی شهر و محلی، حمایت از انجمن‌ها و گروه‌های متعدد و مختلف فرهنگی در همه ابعاد فرهنگی، ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی برای مناطق کمتر برخوردار شهری و متناسب با نیازهای آن‌ها، بهره‌گیری از نمادها و عناصر فرهنگ تاریخ ایرانی در طراحی مناظر شهری، حفظ موارث فرهنگی شهر، به‌کارگیری نمادهای محلی اقوام ساکن در شهر تهران با توجه به ترکیب و حضور اقوام در محله‌ها، غنی کردن اوقات فراغت شهروندان در همه گروه‌های اجتماعی با تأکید بر افراد کمتر برخوردار، استفاده از فناوری‌های پاک، برگزاری جشنواره‌های مختلف موسیقی، شعر و زبان اقوام و فراهم کردن امکان دسترسی برابر همه شهروندان و به‌ویژه افراد کمتر برخوردار به منابع ارزشمند و فضاهای فرهنگی شهری.

جدول ۴. اولویت‌بندی مؤلفه‌ها، معیارها و زیرمعیارهای پایداری فرهنگی شهر تهران

اولویت	مؤلفه‌ها	اولویت	معیارها	اولویت	زیرمعیارها
۱	تنوع فرهنگی	۱	حفظ آداب و رسوم محلی و زبان همه اقوام در شهر	۱	حمایت از تشکیل کانون‌ها و گروه‌های فرهنگی محلی
۲	مشارکت فرهنگی	۲	مشارکت در مدیریت فضاهای فرهنگی	۲	مشارکت با مردم برای تصمیم‌گیری در امور فرهنگی شهر و محلی
۳	برابری فرهنگی	۳	کاهش شکاف فرهنگی	۳	حمایت از انجمن‌ها و گروه‌های متعدد و مختلف فرهنگی در همه ابعاد فرهنگی
۴	هویت فرهنگی	۴	هویت ایرانی و ملی	۳	ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی برای مناطق کمتر برخوردار شهری و متناسب با نیازهای آن‌ها
۵	میراث فرهنگی	۵	برابری در توزیع سرمایه فرهنگی	۴	بهره‌گیری از نمادها و عناصر فرهنگ تاریخ ایرانی در طراحی مناظر شهری
۶	شکوفایی و فعلیت‌بخشی	۶	حمایت از نوآوری‌های فناوری هم‌راستا با محیط‌زیست شهری	۵	حفظ موارث فرهنگی شهر
۷	نوآوری	۷	نگهداری از موارث فرهنگی	۶	به‌کارگیری نمادهای محلی اقوام ساکن در شهر تهران با توجه به ترکیب و حضور اقوام در محله‌ها
		۷	هویت اسلامی و مذهبی	۷	غنی کردن اوقات فراغت شهروندان در همه گروه‌های اجتماعی با تأکید بر افراد کمتر برخوردار
		۸	زمینه‌سازی برای کشف قابلیت‌ها و توانایی شهروندان در محله‌ها	۸	استفاده از فناوری‌های پاک
		۸	پرورش تفکر انتقادی و ادراک کیفی امور	۸	برگزاری جشنواره‌های مختلف موسیقی، شعر و زبان اقوام
		۸	پرورش مهارت‌های اجتماعی و فردی شهروندان	۸	فراهم کردن امکان دسترسی برابر همه شهروندان و به‌ویژه افراد کمتر برخوردار به منابع ارزشمند و فضاهای فرهنگی شهری
		۸	نقد جنبه‌های عقل‌ابزاری تکنولوژی و نظام کنترل‌کننده آن	۸	اجرای برنامه‌های تجدید حیات فرهنگی براساس نیاز محله‌ها و با مشارکت خود مردم
				۱۲	استفاده از سیستم مدیریت دانش نقادانه درباره استفاده از تکنولوژی
				۱۳	پاسداشت عناصر میهنی و تاریخی در شهر
				۱۴	ارتقای منابع معرفتی و سطح فرهنگ عمومی شهروندان
				۱۴	برگزاری کارگاه‌های مرتبط با مهارت‌های اجتماعی و فردی در محله‌ها
				۱۵	حفظ تکثر روایت‌های تاریخی

اولویت	مؤلفه‌ها	اولویت	معیارها	اولویت	زیرمعیارها
۱۶					استفاده از امکانات محله‌ها، مانند سرای محله، فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ برای استعدادیابی
۱۷					بهره‌گیری از نمادها، المان‌ها و عناصر فرهنگ مذهبی در طراحی مناظر شهری
۱۸					برگزاری برنامه‌های آموزشی با محوریت تفکر انتقادی در مراکز مدیریت محلی مانند سرای محله، فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ
۱۹					فراهم کردن امکان گردش اطلاعات در میان شهروندان
۲۰					اجرای برنامه‌های یادبود، جشنواره‌ها و مناسبت‌ها
۲۱					پاسداشت عناصر مذهبی در شهر

### ۵-۲-۳. فهرست نهایی شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران

پس از خوانش نظری، مرور مطالعات تجربی قبلی در داخل و خارج از کشور، اعتباریابی و نهایی‌سازی شاخص‌ها، در این بخش فهرست نهایی شاخص‌ها درباره پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران ارائه شده است، اما قبل از اشاره به این فهرست نهایی، به چند نکته درباره آن اشاره شده است:

- در فهرست حاضر، مؤلفه‌های آمده در هر دو بعد پایداری اجتماعی و فرهنگی، براساس یافته‌های بخش‌های قبلی، از بالا به پایین برحسب اولویت ذکر شده‌اند.
- شاخص‌های آمده در فهرست حاضر در دو سطح و به همین سیاق در دو ستون مشتمل بر معیارها (شاخص‌های سطح اول) و زیرمعیارها (شاخص‌های سطح دوم) تدوین شده‌اند.
- فهرست حاضر، با توجه به نقش مدیریت شهری (شورای شهر و شهرداری تهران) تدوین و ارائه شده است؛ بنابراین در تدوین آن از شاخص‌های ناظر به نقش مدیریت شهری در پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران استفاده شد.
- فهرست حاضر فهرستی باز و پیشنهادی است نه بسته. به دلیل تعداد و تکثر شاخص‌ها در هر دو بعد پایداری اجتماعی و فرهنگی، تدقیق این شاخص‌ها ممکن نیست؛ بنابراین فهرستی را که در این قسمت ارائه می‌شود، هر محقق دیگری می‌تواند تکمیل کند.
- هر پژوهشی بنا به ماهیت موضوع خود می‌تواند از این فهرست الگو بگیرد و با گنجاندن شاخص‌های دیگر، کارش را تکمیل کند و پیش ببرد.

### جدول ۵. فهرست نهایی شاخص‌های پایداری اجتماعی شهر تهران با تأکید بر نقش مدیریت شهری

مؤلفه‌ها	معیارها (شاخص‌های سطح اول)	زیرمعیارها (شاخص‌های سطح دوم)
برابری و عدالت	۱. توزیع برابر فرصت‌های شهری در راستای حق به شهر	۱. امکان دسترسی برابر به فرصت‌ها، امکانات و زیرساخت‌های شهری
		۲. تخصیص عادلانه فضای شهری برای همه افراد از جمله توان‌یابان
	۲. عدالت در رفع نیازهای اساسی شهروندان	۱. تلاش برای برآوردن عادلانه نیازهای اساسی شهروندان (مسکن، کار و...)
		۲. حمایت از اعطای دستمزدهای عادلانه برای تأمین نیازهای اساسی
مسئولیت اجتماعی	۳. کاهش شکاف میان مرکز و پیرامون	۱. تقویت زیرساخت‌های مناسب برای نقاط پیرامونی شهر
		۲. جلوگیری از طرد اجتماعی
۱. مسئولیت اجتماعی نهاد مدیریت شهری	۱. پایش، رصد و ارزیابی به‌روز و کارآمد سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها	



مؤلفه‌ها	معیارها (شاخص‌های سطح اول)	زیرمعیارها (شاخص‌های سطح دوم)
		۲. اجرای دقیق سیاست‌های حفظ طبیعت شهری و زیرساخت‌ها
		۳. برنامه‌ریزی برای حفاظت از منابع زیست‌محیطی
	۲. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها/ نهادها	۱. تدوین برنامه‌ی مسئولیت اجتماعی برای سازمان‌ها و شرکت‌های فعال در هر منطقه با توجه به نوع فعالیت آن‌ها برای به‌حداکثر رساندن منافع عمومی
	۳. مسئولیت اجتماعی کنشگران محل	۱. هم‌اندیشی با کنشگران فردی برای واگذاری مسئولیت اجتماعی به آن‌ها در اجتماع محلی
مشارکت اجتماعی	۱. گسترش مشارکت دموکراتیک شهروندان در قدرت	۱. واگذاری تصمیم‌گیری‌ها و مسئولیت‌های محله به شهروندان و کانون‌های اجتماع‌محور ۲. مدیریت مشارکتی با حمایت از کنشگری شهروندان، سمن‌ها و کانون‌های اجتماع‌محور در امور شهری ۳. توسعه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های گروه‌های مردمی برای مداخله در امور توسعه شهری
پایداری اجتماعات محلی	۱. حفظ اجتماعات محلی	۱. تقویت رفاه و بهزیستی برحسب نیاز شهروندان ۲. حفظ هویت اجتماعات محلی و ارکان‌های اجتماع‌محور محله‌ها ۳. نگهداشت حریم مسکونی و جلوگیری از ورود مراکز تجاری و مال‌ها به آن
تصدیق گروه‌های اجتماعی	۱. به‌رسمیت‌شناختن گروه‌های اجتماعی گوناگون	۱. حمایت از برابری حقوق برای همه گروه‌های قومی، مذهبی و طرده‌شده ۲. افزایش روحیه مدارا و تساهل در میان نهاد مدیریت شهری و مجریان قانون در برخورد با شهروندان ۳. حمایت از هویت شهروندان با منافع طبقاتی و اجتماعی مختلف
حفظ و بهبود طبیعت شهری	۱. رفع آلاینده‌های شهری	۱. محدودکردن فعالیت صنایع آلاینده شهری (برحسب میزان آلاینده‌ی) ۲. کنترل آلاینده‌های شیمیایی و الکترونیکی و دفع پایدار این پسماندها ۳. تفکیک و اصلاح فرایند بازیافت زباله‌های بافت مسکونی شهری
	۲. سامان‌دهی طبیعت شهری	۱. مدیریت پایدار منابع آبی شهر و حفاظت از ذخایر آبی شهر ۲. بازآفرینی و حفاظت از پارک‌ها و زیستگاه‌های طبیعی شهر ۳. مدیریت فضای سبز شهری متناسب با منابع آبی شهری
پایداری جمعیت	۱. حفظ تعادل شهری	۱. برنامه‌ریزی برای حفظ توازن جمعیت در نسبت با زیرساخت محله‌های شهری ۲. حفظ جمعیت فعال شهر
	۱. تقویت کسب‌وکارهای محلی	۱. تقویت قابلیت‌ها و مهارت‌های عملی و علمی نیروهای بومی و محلی ۲. تخصیص فضای مناسب به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط محلی
سازمان‌دهی مجدد کار	۲. تغییر در مناسبات و روابط کار در شهر	۱. حمایت و تقویت تعاونی‌های تولید شهری در نسبت با بخش خصوصی ۲. حمایت از قراردادهای طولانی‌مدت کار ۳. حمایت از منافع جمعی همه ذی‌نفعان به لحاظ سهیم‌شدن در سود و منافع مادی و معنوی حاصل از کار
	۳. کاهش کار فرسایشی	۱. حمایت از افزایش قدرت و اختیار نیروهای کار در فرایند کار ۲. محدودکردن ساعات کار اجباری

**جدول ۶. فهرست نهایی شاخص‌های پایداری فرهنگی شهر تهران با تأکید بر نقش مدیریت شهری**

مؤلفه‌ها	معیارها (شاخص‌های سطح اول)	زیرمعیارها (شاخص‌های سطح دوم)
تنوع فرهنگی	۱. حفظ آداب و رسوم محلی و زبان همه اقوام در شهر	۱. حمایت از انجمن‌ها و گروه‌های متعدد و مختلف فرهنگی در همه ابعاد فرهنگی
		۲. به‌کارگیری نمادهای محلی اقوام ساکن در شهر تهران با توجه به ترکیب و حضور اقوام محله‌ها
		۳. برگزاری جشنواره‌های مختلف موسیقی، شعر و زبان اقوام
مشارکت فرهنگی	۱. مشارکت برای ایجاد و مدیریت فضاهای فرهنگی	۱. مشارکت با مردم برای تصمیم‌گیری در امور فرهنگی شهر و محلی
		۲. حمایت از تشکیل کانون‌ها و گروه‌های فرهنگی محلی
برابری فرهنگی	۱. کاهش شکاف فرهنگی	۱. ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی برای مناطق کمتر برخوردار شهری و متناسب با نیازهای آن‌ها
		۲. غنی کردن اوقات فراغت شهروندان در همه گروه‌های اجتماعی با تأکید بر افراد کمتر برخوردار
		۱. فراهم کردن امکان دسترسی برابر همه شهروندان و به‌ویژه افراد کمتر برخوردار به منابع ارزشمند و فضاهای فرهنگی شهری
		۲. ارتقای منابع معرفتی و سطح فرهنگ عمومی شهروندان
هویت فرهنگی	۱. هویت ایرانی و ملی ۲. هویت اسلامی و مذهبی	۱. بهره‌گیری از نمادها و عناصر فرهنگ تاریخ ایرانی در طراحی مناظر شهری
		۲. پاسداشت عناصر میهنی و تاریخی در شهر
میراث فرهنگی	۱. نگهداری از میراث فرهنگی	۱. بهره‌گیری از نمادها، المان‌ها و عناصر فرهنگ مذهبی در طراحی مناظر شهری
		۲. پاسداشت عناصر مذهبی در شهر
		۱. حفظ میراث فرهنگی شهر
		۲. اجرای برنامه‌های تجدید حیات فرهنگی براساس نیاز محله‌ها و با مشارکت خود مردم
شکوفایی و فعلیت‌بخشی شهروندان	۱. پرورش مهارت‌های اجتماعی و فردی شهروندان ۲. پرورش تفکر انتقادی و ادراک کیفی امور ۳. زمینه‌سازی برای کشف قابلیت‌های شهروندان در محل	۱. برگزاری کارگاه‌های مرتبط با مهارت‌های اجتماعی و فردی در محله‌ها
		۱. برگزاری برنامه‌های آموزشی با محوریت تفکر انتقادی در مراکز مدیریت محلی مانند سرای محله، فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ
		۱. استفاده از امکانات محله‌ها مانند سرای محله، فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ برای استعدادیابی
نوآوری	۱. حمایت از نوآوری‌های هم‌راستا با محیط شهری ۲. نقد جنبه‌های عقل‌ابزاری تکنولوژی و نظام کنترلی آن	۱. استفاده از فناوری‌های پاک
		۱. استفاده از سیستم مدیریت دانش نقادانه درباره استفاده از تکنولوژی

**۶. بحث و نتیجه‌گیری**

پایداری اجتماعی شهر تهران زمانی جلوه می‌کند که به عدالت بین‌نسلی و درون‌نسلی احترام گذاشته و سعی در اجرای آن در جامعه شود. همچنین مدیریت مشارکتی و مشارکت اجتماعی در امور شهر به رسمیت شناخته شود و از سوی دیگر تعهد لازم به مسئولیت

اجتماعی مدیریت شهری (به‌ویژه از نظر پایش، رصد و ارزیابی به‌روز و کارآمد سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها) و نیز شرکت‌ها و نهادها در محله‌ها شکل بگیرد. شهر تهران زمانی به لحاظ فرهنگی پایدار است که از لحاظ فرهنگی متنوع باشد و تنوع فرهنگی به رسمیت شناخته شود. همچنین مشارکت فرهنگی به‌ویژه مشارکت مردم در مدیریت فضاهای فرهنگی محقق شود و از سوی دیگر، برابری فرهنگی یعنی برابری در توزیع سرمایه فرهنگی و کاهش شکاف فرهنگی در شهر اتفاق بیفتد.

در بخش پایداری اجتماعی شهر تهران، «برابری و عدالت» مهم‌ترین مؤلفه بود و در میان پانزده معیار پایداری اجتماعی شهر تهران، دو معیار «توزیع برابر فرصت‌های شهری در راستای حق به شهر» و «کاهش شکاف میان مرکز و پیرامون» اولویت‌های اول و دوم را داشتند. در بسیاری از تعاریف، خوانش‌های نظری و مطالعات تجربی درباره پایداری اجتماعی، این شاخص با اهتمام نظری و سنجشی مواجه بوده است. هانکوک (۱۹۹۶) توسعه پایدار را توسعه‌ای می‌داند که در کنار سایر مختصات، عدالت‌خواه باشد و این اطمینان را بدهد که منافع توسعه کاملاً در سراسر جامعه به تساوی و منصفانه توزیع می‌شوند (کاظمی محمدی و شکویی، ۱۳۸۱: ۳۲). مک‌لارن (۱۹۹۶) محوریت پایداری اجتماعی را عدالت طبقاتی می‌داند و معتقد است پایداری اجتماعی به معنای تداوم تمدنی است که در آن انسان‌ها توزیع عادلانه میان اغنیا و فقرا را شاهد بوده‌اند و بهبود کیفیت زندگی حاصل آن است (نسترن و بصراوی، ۱۳۹۵: ۴). در این باره، عمان و اسپانگنبرگ (۲۰۰۲: ۵) پایداری اجتماعی را مفهومی انسانی به معنای عدالت بین‌نسلی و درون‌نسلی و حق داشتن یک زندگی آبرومندانه می‌دانند و آکسیلسون و همکاران (۲۰۱۳: ۲۱۸) یکی از شاخص‌های پایداری اجتماعی را برابری در زمینه فرصت‌ها، تحصیلات، درآمد و سلامتی عنوان کردند. زاکس نیز پایداری اجتماعی را در درجه اول مبتنی بر ارزش‌های اساسی عدالت و دموکراسی، سپس به معنای تخصیص مؤثر همه حقوق بشر اعم از سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر تمام مردم تعریف کرده است (کولانتونیو، ۲۰۰۹: ۵). از دیدگاه اوپ، تقسیم عادلانه منافع و هزینه‌های جامعه، پایداری اجتماعی را تضمین می‌کند؛ از این‌رو باید به دسترسی همگانی به تأمین نیازهای اساسی انسان بدون در نظر گرفتن نژاد، قومیت، جنسیت و سطح درآمد افراد همت گماشت (شیرازی و کیوانی، ۲۰۱۷: ۸).

از حیث عملیاتی‌سازی و سنجشی نیز در مطالعات داخلی و خارجی، عدالت اجتماعی از مهم‌ترین شاخص‌ها در عملیاتی‌سازی و حتی وزن‌یابی در سازه پایداری اجتماعی شهرها شناسایی شده است؛ برای نمونه کاظمی محمدی و شکویی (۱۳۸۱)، نسترن، قاسمی و هادی‌زاده زرگر (۱۳۹۲)، حسینی (۱۳۹۳)، مافی و عبدالله‌زاده (۱۳۹۶)، ارمغان (۱۳۹۸) و حسین‌پور، ظهیری و موسائی (۱۳۹۹) به اهمیت بالای شاخص عدالت اجتماعی در صورت‌بندی و تحقق پایداری اجتماعی پی بردند. عدالت اجتماعی در مطالعات خارجی، از جمله کولانتونیو (۲۰۰۷)، دمپسی و همکاران (۲۰۰۹)، بی‌زینسکا (۲۰۱۵)، آیزنبرگ و جبارین (۲۰۱۷) و لاریمیان و صادقی (۲۰۱۹) نیز یکی از مهم‌ترین شاخص‌های پایداری اجتماعی است.

به هر حال تمرکز پایداری اجتماعی بر برابری و عدالت، دلالت بر این دارد که جامعه پایدار از حیث اجتماعی جامعه‌ای است که در گام اول به لحاظ امکانات و دسترسی، حق، منافع و... عدالت‌خواه و برابری‌طلب باشد. طبیعی است این عدالت می‌تواند هم درون نسل‌ها و هم در میان آن‌ها مطرح شود. یکی از ضروریات توجه به عدالت، پیامدهای آن است که از جمله می‌توان به مشارکت‌جویی شهروندان در امور شهری و در نتیجه حس تعلق اشاره کرد. در همین باره، مشارکت اجتماعی به‌ویژه موضوع گسترش مشارکت دموکراتیک شهروندان در قدرت نیز از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در صورت‌بندی پایداری اجتماعی شهر تهران است که این مطالعه بدان دست یافته و اولویت سوم را در میان معیارهای پایداری اجتماعی دارد. در ادبیات نظری و تجربی پیرامون پایداری اجتماعی نیز این موضوع از جایگاه ویژه‌ای در صورت‌بندی نظری و عملیاتی از این مفهوم برخوردار است؛ برای مثال رویکرد توسعه پایدار محله‌ای که در چارچوب توسعه پایدار شهری، محله را سلول شهری و واحد برنامه‌ریزی می‌داند و برای اهداف اجتماعی از ظرفیت‌های موجود در محله بهره می‌برد، «مردم» و مشارکت فعال آن‌ها را محور این توسعه تلقی کرده است که برنامه‌ریزان شهری باید به خواسته‌ها، انتظارات و نیازهای

آن‌ها توجه ویژه نشان دهند (معمار، ۱۳۹۴: ۱۹). هانکوک (۱۹۹۶) هنگام مفصل‌بندی عناصر پایداری اجتماعی، در کنار مفاهیم عدالت، رفاه، تاریخت و... اشاره می‌کند پایداری اجتماعی زمانی محقق می‌شود که توسعه مردم‌سالارانه باشد و مشارکت و دخالت شهروندان را ترویج کند (کاظمی محمدی و شکویی، ۱۳۸۱: ۳۲).

آکسلسون و همکاران (۲۰۱۳: ۲۱۸) در صورت‌بندی خود از پایداری اجتماعی، جامعه دموکراتیک مدنی را یکی از شاخص‌های چهارگانه این پایداری و آن را شامل مشارکت محلی در روند توسعه دانسته‌اند. مشارکت اجتماعی در مطالعات جمعه‌پور، نجفی و شفیعا (۱۳۹۱)، دیوسالار، فنی، فرهودی و برزگر (۱۳۹۳) و مافی و عبدالله‌زاده (۱۳۹۶) یکی از شاخص‌های مهم در پایداری اجتماعی است. در بخش پایداری فرهنگی، یافته‌ها نشان می‌دهد مرکز ثقل پایداری فرهنگی شهر تهران و شاخص‌های متشکله در این بخش «تنوع فرهنگی» است که در این تحقیق با محوریت «حفظ آداب و رسوم محلی و زبان اقوام» تعریف شده و اولویت اول را در میان مجموعه ۱۲ معیار پایداری فرهنگی داشته است. وفق این یافته، تلقی از شهر تهران به‌منزله یک شهر پایدار به لحاظ فرهنگی، زمانی میسر است که برای مثال، نمادهای محلی اقوام ساکن در شهر با توجه به ترکیب و حضور اقوام در محله‌ها به‌کار گرفته شود، از جشنواره‌های مختلف موسیقی، شعر و زبان اقوام حمایت شود و از انجمن‌ها و گروه‌های متعدد و مختلف فرهنگی در همه ابعاد فرهنگی حمایت لازم گردد. تراسی (۲۰۰۳: ۱۸۳-۱۸۶) در اشاره به پایداری فرهنگی، ضمن تأکید بر عدالت بین‌نسلی و نیاز نسل آینده به دستیابی به منابع فرهنگی، حفظ تنوع فرهنگی را یکی از مؤلفه‌های مهم پایداری فرهنگی صورت‌بندی کرده است.

یافته دیگر در بخش پایداری فرهنگی شهر تهران، اهمیت دو مؤلفه مشارکت و برابری در صورت‌بندی این مفهوم است؛ همچنان که درباره پایداری اجتماعی نیز شاهد برجستگی و وزن بالای این دو مؤلفه بودیم و در آن، برابری و عدالت در اولویت اول و مشارکت اجتماعی در اولویت دوم بود، در اینجا در پایداری فرهنگی نیز مشارکت فرهنگی اولویت دوم و برابری فرهنگی اولویت سوم را به خود اختصاص داده است. مشارکت فرهنگی شهروندان در مدیریت فضاهای فرهنگی معیاری بود که در این تحقیق صورت‌بندی شد و دومین معیار اولویت از میان ۱۲ معیار پایداری فرهنگی شهر تهران بوده است. مهم‌ترین شاخص‌های اولویت‌دار در مؤلفه مشارکت فرهنگی نیز مشارکت‌دادن مردم برای تصمیم‌گیری در امور فرهنگی شهر و محله از یک سو و حمایت از تشکیل کانون‌ها و گروه‌های فرهنگی محلی از سوی دیگر بود.

برابری فرهنگی در این تحقیق در دو معیار برابری در توزیع سرمایه فرهنگی و کاهش شکاف فرهنگی تعریف شده است. سرمایه فرهنگی نقش بسزایی در ارتقا و پایداری فرهنگی شهر تهران دارد. پایداری فرهنگی شهر تهران نیز نیازمند آن است که همه شهروندان آن، امکان دسترسی برابر به منابع ارزشمند و فضاهای فرهنگی شهری داشته باشند، منابع معرفتی و سطح فرهنگ عمومی آن‌ها از طریق سیاست‌ها و برنامه‌های متناسب ارتقا یابد و اطلاعات به شکلی برابر و عادلانه در میان آن‌ها توزیع شود و گردش یابد. تراسی (۲۰۰۳: ۱۸۳-۱۸۶) یکی از عناصر محوری پایداری فرهنگی را عدالت در دو شکل عدالت بین‌نسلی و عدالت درون‌نسلی می‌داند و اضافه می‌کند عدالت بین‌نسلی، نیازمند درک منافع نسل‌های آینده است که ممکن است به شیوه‌های مختلفی پیگیری شود. نتیجه مستقیم رعایت برابری فرهنگی، کاهش شکاف فرهنگی شهروندان در طبقات و لایه‌های اجتماعی مختلف شهر تهران است که می‌توان با شاخص‌هایی مانند ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی برای مناطق کمتر برخوردار شهری و متناسب با نیازهای آن‌ها و غنی کردن اوقات فراغت شهروندان در همه گروه‌های اجتماعی با تأکید بر افراد کمتر برخوردار، میزان تحقق این شاخص در کلیت پایداری فرهنگی شهر تهران را درک کرد.

نکته پایانی اینکه پایداری اجتماعی و فرهنگی کلیتی است که از یک سو بر مبنای منطق دیالکتیکی خود از سیالیت، پویایی و دگرگونی برخوردار است و در نتیجه نمی‌توان قائل به شاخص‌های ایستایی برای آن شد و از سوی دیگر نمی‌توان شاخص‌های آن را

از این کلیت منتزع و جدا کرد. نگاه به مؤلفه‌ها، معیارها و شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی و اولویت‌های برآمده از هریک نشان می‌دهد همه این مؤلفه‌ها مفهومی منتزع و مستقل از سایر مؤلفه‌ها نیستند، بلکه کلیت سازه پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران را با یکدیگر می‌سازند. نتایج مربوط به فرایند تحلیل شبکه (ANP) و اساساً دلیل اصلی استفاده از این تکنیک در این تحقیق نیز، پی‌بردن به همین شبکه ارتباط معنایی میان مؤلفه‌ها، معیارها و زیرمعیارها بوده است؛ برای نمونه، عدالت و برابری، مشارکت، مسئولیت اجتماعی، پایداری اجتماعی محلی، تصدیق گروه‌های اجتماعی، هویت فرهنگی و میراث فرهنگی، جملگی مؤلفه‌هایی با شاخص‌های ویژه هستند که نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر تفکیک، منتزع و سپس تحلیل کرد.

## ۷. منابع

- ارمغان، سیمین (۱۳۹۸). ارزیابی شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی در پایداری گردشگری روستاهای شهرستان نور. *فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی*، ۳(۳)، ۳۴۷-۳۶۲. <https://doi.org/10.22048/rdsj.2020.169619.1776>
- پورطاهری، مهدی، زال، ابودر و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۰). ارزیابی و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی؛ مطالعه موردی: روستاهای شهرستان خرم بید استان فارس. *فصلنامه روستا و توسعه*، ۱۴(۳)، ۱۹-۴۹.
- توانا، مصطفی و نوریان، فرشاد (۱۳۹۵). سنجش پایداری اجتماعی در محلات پراکنده‌رو (مطالعه موردی: محله شادآباد تهران). *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۴۹(۴)، ۸۸۵-۹۰۰. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2016.59455>
- تیموری، ایرج، فرهودی، رحمت‌الله، رهنمایی، محمدتقی و قرخلو، مهدی (۱۳۹۱). ارزیابی پایداری اجتماعی با استفاده از منطق فازی (مطالعه موردی: شهر تهران). *فصلنامه جغرافیا*، ۱۰(۳۵)، ۱۹-۳۹.
- جمعه‌پور، محمود، نجفی، غلامرضا و شفیعا، سعید (۱۳۹۱). بررسی رابطه تراکم و پایداری اجتماعی در مناطق شهرداری تهران. *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*، ۲۳(۴)، ۱۸۵-۲۰۰.
- حسین‌پور، بتول، ظهیری، هوشنگ و موسائی، میثم (۱۳۹۹). ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی در محلات منطقه ۱۵ کلان‌شهر تهران. *مجله جغرافیایی اجتماعی شهری*، ۷(۲)، ۲۱۷-۲۳۷. <https://doi.org/10.22103/JUSG.2020.2027>
- حسینی، سیدهدادی (۱۳۹۳). ارزیابی و تحلیل سطح پایداری اجتماعی در شهر نوشهر. *فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط*، ۱۲، ۵۷-۷۱.
- خاکپور، براتعلی، شریف‌زاده اقدم، ابراهیم و شیخی، عبدالله (۱۳۹۷). ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری اجتماعی-فرهنگی محلات شهر پیرانشهر (با توجه به زیرگروه‌های جمعیتی). *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۸(۲۸)، ۱۳۳-۱۶۴.
- دیوسالار، اسدالله، فنی، زهره، فرهودی، رحمت‌الله و برزگر، صادق (۱۳۹۳). روش‌شناسی انتخاب شاخص‌های سنجش پایداری در شهرهای کوچک با تأکید بر استان مازندران. *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۴(۱۶)، ۱۷-۳۲.
- زیاری، کرامت‌الله، ملکی، رباب و معماری، ابراهیم (۱۳۹۸). تحلیل و ارزیابی پایداری اجتماعی با رویکرد توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهرستان‌های استان خراسان شمالی). *فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی خراسان*، ۱۴(۲)، ۷۸-۱۰۲. <https://doi.org/10.22034/fakh.2020.198708.1354>
- صالحی میلانی، ساسان و محمدی، مریم (۱۳۸۹). اهداف و شاخص‌های تحقق پایداری فرهنگی. *نامه معماری و شهرسازی*، ۳(۵)، ۸۱-۹۸. <https://doi.org/10.30480/aup.2011.183>
- صالحی میلانی، ساسان و محمدی، مریم (۱۳۹۰). تدوین شاخص‌های سیاست‌گذاری با هدف تحقق پایداری فرهنگی؛ موردپژوهی: منطقه کلان‌شهری تهران. *مجله مدیریت شهری*، ۹(۲۷)، ۴۱-۵۸.
- عبداله‌زاده، مهدی، رهنما، محمدرحیم، اجزاء شکوهی، محمد و موسوی، میرنجف (۱۳۹۹). ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی در شهرهای استان آذربایجان غربی. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۲(۴)، ۱۲۵۷-۱۲۷۳.

<https://doi.org/10.22059/jhgr.2019.276093.1007878>

کاظمی محمدی، سیدمهدی موسی و شکویی، حسین (۱۳۸۱). سنجش پایداری اجتماعی توسعه شهر قم. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۴(۴۳)، ۲۷-۴۱.

مافی، عزت‌اله و عبدالله‌زاده، مهدی (۱۳۹۴). ارزیابی پایداری اجتماعی کلان‌شهر مشهد. دوفصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۸(۱۵)، ۶۵-۷۸. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25383930.1396.8.15.4.5>

مختاری ملک‌آبادی، رضا، مرصوصی، نفیسه، حسینی، سیدعلی و غلامی، محمد (۱۳۹۳). سنجش و ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی - فرهنگی در شهرهای استخراجی (مطالعه موردی: شهر استخراجی عسلویه). فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۵(۱۹)، ۹۱-۱۱۰. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1393.5.19.6.9>

مشکینی، ابوالفضل، برهانی، کاظم و شعبان‌زاده نمینی، رضا (۱۳۹۲). تحلیل فضایی سنجش پایداری اجتماعی شهری (مورد مطالعه: مناطق ۲۲گانه شهر تهران). فصلنامه جغرافیا، ۱۱(۳۹)، ۱۸۶-۲۱۱. معمار، ثریا (۱۳۹۴). توسعه پایدار محله‌ای. تهران: جامعه‌شناسان.

نسترن، مهین و بصراوی، نرگس (۱۳۹۵). نگاهی به تجارب جهانی درخصوص پایداری اجتماعی. ششمین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری. ۱-۱۳.

نسترن، مهین، قاسمی، وحید و هادی‌زاده زرگر، صادق (۱۳۹۲). ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از فرایند تحلیل شبکه (ANP). فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۴(۳)، ۱۵۵-۱۷۳. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1392.24.3.9.3>

نوری، محمودرضا و ریسی، محمدکریم (۱۳۹۵). سنجش و اولویت‌بندی توسعه شهری با توجه به شاخص‌های پایداری (مطالعه موردی: شهرهای استان سیستان و بلوچستان). همایش ملی فرهنگ گردشگری و هویت شهری. مهراندیشان ارفع، دانشگاه کرمان.

Abdollahzadeh, M., Rahnama, M., Ajza Shokouhi, M., & Mousavi, M. (2020). Assessment of social sustainability Indicators in Cities of West Azerbaijan province. *Human Geography Research*, 52(4), 1257-1273. doi: 10.22059/jhgr.2019.276093.1007878 (In Persian)

Armaqan, S. (2019). Evaluation of Cultural and Social Characteristic of the Nour Township in Stability of Tourist Villages. *Rural Development Strategies*, 6(3), 347-362. doi: 10.22048/rdsj.2020.169619.1776 (In Persian)

Axelsson, R., Angelstam, P., Degerman, E., & Teitelbaum, S. (2013). Social and Cultural Sustainability: Criteria, Indicators, Verifier Variables for Measurement and Maps for Visualization to Support Planning. *AMBIO*, 42, 215-228. <https://doi.org/10.1007/s13280-012-0376-0>

Baffoe, G., & Mutisya, E. (2015). Social sustainability: a review of indicators and empirical application. *Environmental Management and Sustainable Development*, 4(2), 242-262. <http://dx.doi.org/10.5296/emsd.v4i2.8399>

Baines J., & Morgan B. (2004). Sustainability Appraisal: A Social Perspective. In B. Dalal-Clayton & B. Sadler (Eds.). *Sustainability appraisal: a review of international experience and practice*. London: International Institute for Environment and Development.

Barron, L., & Gauntlet, E. (2002). WACOSS housing and sustainable communities indicators project. In *Sustaining our Communities International Local Agenda 21 Conference*, Adelaide (pp. 3-6).

Biczynska, E. (2015). Measuring the social Component of Sustainable Development in the Cities. *Barometre Regional*, 13(1), 119-126.

Brundtland, G. H. (1987). *Report of world commission on environment and development: our common future*. United Nations.

Clausen, R., & Clark, B. (2005). The Metabolic Rift and Marine Ecology: An Analysis of the Ocean Crisis Within Capitalist Production. *Organization & Environment*, 18, 422-444.

- <https://doi.org/10.1177/1086026605281187>
- Colantonio, Andrea (2007). Measuring Social Sustainability: Best Practice from Urban Renewal in the EU. *EIBURS Working Paper Series*, Oxford Institute for Sustainable Development (OISD), International Land Markets Group Oxford Brookes University.
- Divsalar, A.A., Fani, Z., Farhoudi, R.A., & Barzegar, S. (2013). Methodology for selecting indicators of sustainability in small cities with emphasis on Mazandaran province. *Regional Planning Quarterly*, 4(16), 17-32. (In Persian)
- Doğu, F. U., & Aras, L. (2019). Measuring social sustainability with the developed MCSA model: güzelyurt case. *Sustainability*, 11(9), 2503. <https://doi.org/10.3390/su11092503>
- Duxbury, N., & Jeannotte, M. S. (2015). Making it real: Measures of culture in local sustainability planning and implementation. In *Making culture count* (pp. 145-161). Palgrave Macmillan, London.
- Eizenberg, E. & Jabareen, Y. (2017). Social sustainability: a new conceptual framework. *Sustainability*, 9(1), 68. <http://dx.doi.org/10.3390/su9010068>.
- Hans-Boeckler-Foundation (Ed.) (2001). *Pathways towards a sustainable future*. Setzkasten: Düsseldorf.
- Hoseinpour, B., Zahiri, H., & Musai, M. (2020). Evaluating of social sustainability indicators in district 15 of Tehran. *Journal of Urban Social Geography*, 7(2), 217-237. doi: 10.22103/JUSG.2020.2027 (In Persian)
- Hosseini, H. (2014). Analysis and Assessment of Urban Social Sustainability in Nowshahr City. *Geography and Environmental Sustainability*, 4(3), 57-71. (In Persian)
- Jomehpoor, M., Najafi, G., & Shafia, S. (2013). Extended abstract: Evaluation of relationship between density and social sustainability in Tehran Municipality regions. *Geography and Environmental Planning*, 23(4), 185-200. (In Persian)
- Kazemi Mohammadi, S.M.M., & Shakoui, H. (2002). Assessing the social sustainability of Qom city development. *Geographical Research Quarterly*, 34(43), 27-41. (In Persian)
- Khakpour, B.A., Sharifzadeh Aghdam, I., & Sheikhi, A.A. (2018). Evaluation of urban management performance in social-cultural sustainability of Piranshahr neighborhoods (according to population subgroups). *Urban Sociological Studies*, 8(28), 133-164. (In Persian)
- Larimian, T., & Sadeghi, A. (2021). Measuring urban social sustainability: scale development and validation. *Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science*, 48(4), 621-637. <https://doi.org/10.1177/2399808319882950>
- Littig, B. & Griessler, E. (2005). Social sustainability: a catchword between political pragmatism and social theory. *Journal of Sustainable Development*, 8(1-2), 65-79.
- Maclaren, V. (1996). Urban sustainability reporting. *Journal of the American planning Association*, 62(2), 184-202, <http://dx.doi.org/10.1080/01944369608975684>
- Mafi, E.A., & Abdoulahzadeh, M. (2017). Assessment of Social sustainability in Mashhad Metropolis. *Journal of Urban Ecology Researches*, 8(15), 65-78. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25383930.1396.8.15.4.5> (In Persian)
- Memar, S. (2014). *Sustainable neighborhood development*. Tehran: Sociologists. (In Persian)
- Meshkini, A., Burhani, K., & Shabanzadeh Nemini, R. (2012). Spatial analysis of measuring urban social sustainability (case study: 22 districts of Tehran). *Geography Quarterly*, 11(39), 186-211. (In Persian)
- Mokhtari Malekabadi, R., Morsoosi, N., Hosseini, S.A., & Gholami, M. (2015). Measurement and evaluation of socio-cultural sustainability indicators in extractive cities (case study: Asalouye extractive city). *Quarterly Journal of Urban Planning and Research*, 5(19), 91-110. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1393.5.19.6.9> (In Persian)

- Nastaran, M., Ghasemi, V., & Hadizadeh, S. (2013). Assessment of Indices of Social Sustainability by Using Analytic Network Process (ANP). *Journal of Applied Sociology*, 24(3), 155-173. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20085745.1392.24.3.9.3> (In Persian)
- Nastran, M., & Basravi, N. (2016). Take a look at global experiences about social sustainability. The 6th International Conference on Sustainable Development and Urban Development, 1-13. (In Persian)
- Nouri, M.R., & Raisi, M.K. (2015). Measuring and prioritizing urban development according to sustainability indicators (case study: cities of Sistan and Baluchistan province). National conference of tourism culture and urban identity. Mehrandishan Arfa, University of Kerman. (In Persian)
- Omman, I., & Spangenberg, H. J. (2002). Assessing Social Sustainability, Sustainable Europe Research Institute SERI. *Proceedings of the 7<sup>th</sup> Biennial Conference of the International Society for Ecological Economics*, Sousse, 6-9.
- Polese, M., & Stren, R. (Eds.). (2000). *The social sustainability of cities: diversity and the. management of change*. Toronto: University of Toronto Press.
- Portahari, M., Zal, A., & Ruknuddin Eftekhari, A.R. (2018). An Evaluation and Prioritization of Social Sustainability in Rural Areas: A Case Study of Villages in Khorrambid County of Fars Province. *Village and Development*, 14(3), 19-49. (In Persian)
- Salehi Milani, S., & Mohammadi, M. (2011). Developing policy indicators with the aim of realizing cultural sustainability; Case study: Tehran metropolitan area. *Journal of Urban Management*, 9(27), 41-58. (In Persian)
- Salehi Milani, S., & Mohammadi, M. (2011). The Objectives and Indicators towards Cultural Sustainability. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 3(5), 81-99. doi: 10.30480/aup.2011.183 (In Persian)
- Schneiburg, M., & Clemens, E. (2006). The Typical Tools for the Job: Research Strategies in Institutional Analysis. *Sociological Theory*, 34(3), 195-227.
- Scientific Quarterly of Social-Cultural Studies of Khorasan*, 14(2), 78-102. doi: 10.22034/fakh.2020.198708.1354 (In Persian)
- Shirazi, R., & Keivani, R. (2017). Critical reflections on the theory and practice of social sustainability in the built environment- a meta-analysis. *Local Environment: The International Journal of Justice and Sustainability*, 22(12), 1526-1545. <https://doi.org/10.1080/13549839.2017.1379476>
- Soini, K., & Birkeland, I. (2014). Exploring the scientific discourse on cultural sustainability. *Geoforum*, 51, 213-223. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2013.12.001>
- Tavana, M., & Nourian, F. (2017). Assessment of Social Sustainability in Sprawl Urban Neighborhoods (Case Study: Shadabad, Tehran). *Human Geography Research*, 49(4), 885-900. doi: 10.22059/jhgr.2016.59455 (In Persian)
- Teimouri, I., Farhudi, R., Rahnemaei, M.T., & Gharakhlu, M. (2012). Evaluating Social Sustainability Using Fuzzy Logic (Case Study: Tehran). *Geography*, 10(35), 19-39. (In Persian)
- Throsby, D. (2003). A Handbook of culture Economics. In Ruth Towse (Ed.), The Netherlands and joint Editor). *Journal of Cultural Economics from 1993-2002*, Edward Elgar Cheltenham UK, Northampton.
- Ziari, K.A., Maleki, R., & Moamri, I. (2020). Analysis and evaluation of social sustainability with the approach of sustainable urban development (case study: North Khorasan province cities).